

دکتر مارک جنینگز، مرقس، درس پنجم، مرقس ۲: ۱۸-۲۸. خدمت عمومی ادامه دارد

مارک جنینگز و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر مارک جنینگز در حال تدریس در مورد انجیل مرقس است. این جلسه پنجم در مورد مرقس ۲: ۱۸-۲۸ است. خدمت عمومی ادامه دارد ۲۸.

سلام، خوشحالم که دوباره با شما هستم. ما فصل دوم انجیل مرقس و همچنین خدمت عمومی عیسی را بررسی کرده‌ایم. یکی از مواردی که دفعه قبل بررسی کردیم، از همان ابتدا تا انتها با مرد جذامی، مرد مبتلا به جذام، و رابطه بین جذام و پاکی و زبان پاکی را بررسی کردیم، و عیسی قوی‌تر است.

پاکی او از ناپاکی جذامی قوی‌تر است. سپس به مرد فلج نگاه کردیم و اینکه چگونه عیسی از این فرصت با مرد فلج برای تأیید ایمانشان، نمایش قدرتمند ایمانشان، تعهد فعالشان برای رسیدن به عیسی، استفاده از آن به عنوان فرصتی برای اعلام قدرتش در بخشش گناهان و اینکه چگونه قدرتش در بخشش گناهان را با توانایی‌اش در بهبودی کامل مرد فلج مرتبط کرد، استفاده کرد. در میان آن، جمله‌ای در مورد اقتدار عیسی، توانایی عیسی در درک افکار بود.

این شروع به ایجاد یک درگیری فزاینده کرد که اکنون بین رهبران مذهبی و عیسی در حال شکل‌گیری بود. آنچه قبلاً به آن اشاره شده بود، اکنون آغاز می‌شود، آن تفرقه بیشتر و بیشتر آشکار می‌شود زیرا آنها می‌پرسند چه کسی می‌تواند این کار را انجام دهد، جز خدا، این مرد چه می‌گوید؟ او کفر می‌گوید. سپس آن تنش به دعوت لاوی منجر شد، جایی که عیسی کسی را که به دلیل اخاذی که با توجه به توانایی‌اش به عنوان یک مأمور جمع‌آوری مالیات و موقعیتش انجام می‌داد، فردی منفور، اسفناک و گناهکار تلقی می‌شد، فرا می‌خواند.

چنین چیزی هنوز هم نامیده می‌شد، اگر بخواهید، هیچ پیش‌صلاحیتی برای دعوت عیسی وجود نداشت؛ این کاملاً تصمیم عیسی بود، و او می‌گوید، از من پیروی کنید، و او بلافاصله پیروی می‌کند. یک مهمانی بود، و او با مأموران مالیات غذا می‌خورد، و آنچه من استدلال کردم افرادی از مشاغل گناه‌آلود دیگر، فحشا، شاید مردان قوی که به عنوان اراذل و اوباش برای آسیب رساندن فیزیکی و موارد دیگر استفاده می‌شدند، بودند. در آنجا جنجالی رخ می‌دهد، دوباره رهبران مذهبی از شاگردان می‌پرسند که چرا عیسی مرتکب یک خطای اجتماعی می‌شود و حتی خطایی که با معاشرت با کسانی که طبق تعریف گناهکار هستند، بر آبرو و شرم او تأثیر می‌گذارد، که عیسی پاسخ می‌دهد که این دقیقاً همان گروهی است که او از آن آمده است.

با توجه به این نکته، می‌خواهم به این بحث‌های رو به رشد که در حال رخ دادن است و ما این را در انجیل مرقس می‌بینیم، فکر کنیم. مرقس اغلب بحث‌ها را پشت سر هم مطرح می‌کند و بنابراین به نوعی آنچه قبلاً اتفاق افتاده است، بر آنچه در حال رخ دادن است، تأثیر می‌گذارد. می‌خواهم در ادامه کارمان با بررسی آیات تا ۲۲، به بحثی که در مورد مسئله روزه‌داری در اینجا در فصل ۲ رخ می‌دهد، نگاهی بیندازیم ۱۸.

حالا، شاگردان یحیی و فریسیان روزه می‌گرفتند. بعضی از مردم آمدند و از عیسی پرسیدند که چطور شاگردان یحیی و شاگردان فریسیان روزه می‌گیرند اما شاگردان تو روزه نمی‌گیرند؟ عیسی پاسخ داد: چطور مهمانان داماد می‌توانند در حالی که او با آنهاست روزه بگیرند؟ آنها نمی‌توانند تا زمانی که او با آنهاست، اما زمانی خواهد رسید که داماد از آنها گرفته خواهد شد، در آن روز آنها روزه خواهند گرفت. هیچ کس وصله‌ای از پارچه‌ی آب نرفته را بر لباس کهنه نمی‌دوزد.

اگر این کار را بکند، تکه نو از کهنه جدا می‌شود و پارگی بدتر می‌شود. هیچ کس شراب نو را در مشک‌های کهنه نمی‌ریزد. اگر این کار را بکند، شراب، مشک‌ها را می‌ترکاند و هم شراب و هم مشک‌ها خراب می‌شوند.

نه، او شراب تازه را در مشک‌های تازه می‌ریزد. بنابراین به نظر می‌رسد ترکیبی از برخی مطالب در اینجا وجود دارد که آیات ۱۸-۲۰ و سپس آیات ۲۱-۲۲، این مسئله روزه‌داری و سپس این اظهارات در مورد پارچه و شراب را خلاصه کرده است. و وقتی به آن نگاه می‌کنیم، یک تمرکز بیوگرافی نیز وجود دارد، چیزی که در آیات ۱۸-۲۰ برای من جالب است، چیزی که در مورد عیسی به ما می‌گوید، در مورد اینکه چگونه او به عنوان کسی که چیز جدیدی را به صحنه آورد که روزه‌داری را اشتباه کرد، محور جشن است.

بنابراین، دوباره در مورد این روزه گرفتن فکر کنید و سعی کنید زمینه را تنظیم کنید. احتمالاً منظور روزه گرفتن منظم است، روزه ای که ممکن است دوشنبه‌ها و پنجشنبه‌ها اتفاق افتاده باشد، شاید بیشتر از روز روزه سالانه مرتبط با اعیادی مانند روز کفار یا روش هشانا. البته، مفهوم آن این است که این آیین روزه داری ثابت وجود دارد که به طور منظم اتفاق می‌افتد، که پیروان یحیی، که به یحیی تعمید دهنده اشاره دارد، و فریسیان انجام می‌دهند.

بنابراین، احتمالاً، منطق ماجرا این است که اینجا دو گروه بسیار محترم وجود دارند، کسانی که از یحیی پیروی می‌کردند و فریسیان، و این گروه‌ها دائماً روزه می‌گیرند، اما شاگردان عیسی اینطور نیستند. و در سوال، می‌دانید، اما شاگردان شما اینطور نیستند. فکر می‌کنم جالب است. لحن سوال چیست؟ و وقتی به لحن سوال نگاه می‌کنیم، اگر من این را بگویم، یا بهتر بگویم اگر مرقس بگوید که یک رهبر مذهبی از اورشلیم آمده و این سوال را از عیسی پرسیده، فوراً متوجه می‌شویم که لحن این است که رهبران مذهبی با این موضوع مشکل دارند و این ممکن است راهی برای به دام انداختن باشد. این واقعیت که مرقس به ما می‌گوید که فقط چند نفر آمدند و از عیسی پرسیدند، ممکن است نشان دهد که در واقع ممکن است نوعی پرسش جدی در اینجا اتفاق بیفتد، نه صرفاً جنجالی پیرامون تلاش برای به دام انداختن یا گیر انداختن عیسی.

با این اوصاف، ماهیت سوال ممکن است اجازه دهد که با اشاره به فریسیان، کمی از هر دو ترکیب شود. من، این را جالب می‌دانم؛ فکر می‌کنم وقتی با روایت کار می‌کنید، همیشه باید این سوال را پرسیم که چه کسی کجا و چگونه چه کاری انجام می‌دهد که به ما کمک می‌کند بفهمیم چه اتفاقی دارد می‌افتد. حال پاسخ عیسی جالب است زیرا دلالت آن این است که معلم مسئول رفتار شاگردان است.

سوال این نیست که به اصل اشتباه شاگردان بپردازیم، بلکه سوال این است که چرا شما مطمئن نمی‌شوید شاگردانتان روزه می‌گیرند؟ بنابراین، در واقع، سوال این است که چرا عیسی آنها را روزه نمی‌گیرد. و او با ارائه تصویری در اینجا پاسخ می‌دهد که می‌گوید، چگونه مهمانان داماد می‌توانند در حالی که او با آنهاست روزه بگیرند؟ حال، این ترجمه از نحوه روزه گرفتن مهمانان داماد، به نظر من، ممکن است کمی آن را کم‌اهمیت جلوه دهد. در واقع، پسران داماد نوعی ایده هستند که به زبان پسران حجله ارائه می‌شوند.

بنابراین، فقط مهمانان نیستند، بلکه کسانی که گروه نزدیک هستند نیز مسئولیت لذت بردن و جشن گرفتن با داماد را بر عهده دارند. آنها در حجله عروس نگرهبانی می‌دادند؛ این یکی از وظایف آنها بود، محافظت از آن، تضمین اینکه بتوانند پایان ازدواج را اعلام کنند. بنابراین، اینها فقط افرادی نیستند که دعوت می‌شوند. بیایند بنشینند و از کیک لذت ببرند.

اینها افرادی هستند که رابطه ویژه‌ای با داماد دارند. و سوال این است که چطور مهمانان داماد می‌توانند در حالی که او مدت زیادی با آنها بوده روزه بگیرند، در حالی که آنها نمی‌توانند تا زمانی که او را با خود دارند روزه بگیرند. و ایده اینجا این است که عیسی صحنه‌ای از آنچه در حال حاضر برای داماد اتفاق می‌افتد را به تصویر می‌کشد.

با شاگردان و او، این شبیه یک جشن عروسی است. شبیه لحظه‌ای از شادی است که داماد و پسران داماد، به طور استعاری، همراهان داماد، با هم هستند، و در یک عروسی، به روزه گرفتن فکر نمی‌کنید.

روزه گرفتن در چنین جشن عروسی کاملاً با آن لحظه در تضاد است. و این لحظه، لحظه شادی و جشن است. روزه گرفتن، ایده‌ی نگه داشتن عمدی غذا از خود به دلیلی مشخص است، چه به دلیل رنج روزه‌داری برای کمک به تفکر در یک عمل عبادی باشد و چه به دلیل امتناع نمادین از چیزی برای ایجاد فضایی از عبادات.

دلایل مختلفی برای روزه گرفتن ارائه می‌شود. معمولاً فصل‌هایی وجود داشت که به نوعی عبادت یا پرهیزگاری مربوط می‌شدند. اما در قلب روزه‌داری یک کمبود وجود دارد.

روزه گرفتن یعنی کمبود غذا، رنج کشیدن، احساس کمبود. و منظور عیسی این است که وقتی کسی در کنار اوست، روزه گرفتن هیچ معنایی ندارد. اینکه در حضور عیسی ایده رنج یا کمبود وجود داشته باشد، به همان اندازه متناقض است که پسران داماد در وسط یک جشن عروسی روزه می‌گیرند.

من فکر می‌کنم این موضوع جذاب است زیرا او به وضوح خود را به عنوان داماد معرفی می‌کند. ممکن است حتی در این دیدگاه، ارجاعات به عهد عتیق را نیز ببینید، چه اشعیا ۵۴، اشعیا ۶۲ یا حزقیال ۱۶، که در آنها خود خدا به عنوان داماد به تصویر کشیده شده است. و حتی ممکن است به طور ضمنی در اینجا شکایتی وجود داشته باشد مبنی بر اینکه عیسی این نقشی را که قبلاً به خدا نسبت داده می‌شد، بر عهده می‌گیرد.

و البته، ایده ضیافت بزرگ عروسی که در پایان همه چیز، یک ضیافت دائمی، مستمر و ابدی وجود دارد، یک جشن عروسی که جشن گرفته می‌شود. بنابراین، انواع تصاویر به کار می‌آیند. قیاس این است که داماد ایده عروسی و روزه گرفتن در عروسی، ناهماهنگی شاگردان و همچنین روزه گرفتن در حضور او را نشان می‌دهد.

اما او به همین جا بسنده نمی‌کند، که به نظر من جذاب است. و شاید همین کافی بوده باشد. او گفت که کاری که فریسیان و شاگردان یحیی انجام می‌دهند، و تا حدودی، تقریباً تلویحاً می‌گوید که بله، این در موقعیت آنها منطقی است.

اما اینجا منطقی نیست چون من اینجا هستم. من چیزی هستم که تغییر می‌کند. چرا شاگردان روزه نمی‌گیرند؟ چون آنها با من هستند.

آن چیز در حضور من متفاوت است. یک جمله‌ی خیلی خیلی قوی. اما بعد او از این تصویر و استعاره تغییر جهت می‌دهد و به ایده‌ی عروسی‌ای می‌پردازد که هرگز اتفاق نمی‌افتد.

می‌فهمی، اما زمانی خواهد رسید که داماد از آنها گرفته خواهد شد. و در آن روز آنها روزه خواهند گرفت. خب، این تصویر از مراسم عروسی معمولی وجود ندارد که ناگهان همه مهمانان داماد روزه بگیرند و به عزاداری بروند.

بنابراین، او چیزی را در این داستان تغییر داده است. کمی غافلگیری وجود دارد. و من این نکته را جالب می‌دانم که شاید اینجا، و فکر می‌کنم اینجا، یک پیش‌بینی وجود دارد که عیسی در حالی که می‌گوید چون من در حال حاضر به عنوان یک مناسبت شادی شبیه به عروسی اینجا هستم، لحظه‌ای فرا خواهد رسید که

کسانی که اینجا با من هستند، شادی را تجربه نخواهند کرد، جایی که آنها دلشکستگی و اشتیاق را تجربه خواهند کرد، همان انگیزه‌هایی که شبیه دعوت به روزه گرفتن است.

و بنابراین این سوال مطرح می‌شود که این دفعه او درباره چه چیزی صحبت می‌کند؟ اما زمانش فرا خواهد رسید. او به چه چیزی اشاره می‌کند؟ و برای من، پاسخ این سوال، عبارتی است که از آنها گرفته شده است. من فکر می‌کنم گزینه عروج در اینجا کار نمی‌کند زیرا عیسی به زور برده نشده است.

در واقع، کتاب مقدس کاملاً واضح است که آن لحظه خوبی است. عیسی دستوراتی می‌دهد، همانطور که روح القدس در پاراکلیت نازل می‌شود و اطلاع می‌دهد. بنابراین، بعید به نظر می‌رسد که عیسی بخواهد عروج خود پس از رستاخیزش را به این موضوع مرتبط کند.

به نظر من محتمل‌تر است که فکر کنم او به دستگیری و مرگ قریب‌الوقوع خود اشاره می‌کند، به اینکه زمانی خواهد رسید که او از آنها گرفته خواهد شد. سپس، آن لحظاتی که او برده می‌شود، با اشاره به محاکمه، دستگیری، محاکمه، مصلوب شدن و دفن، از نظر کیفی متفاوت خواهد بود. آن لحظات، اگر بخواهید، برعکس جشن عروسی خواهند بود، اما پر از فقدان خواهند بود.

و اینکه زمان‌هایی برای این شاگردان خاص در راه است. فکر می‌کنم منظور او همین است. و بنابراین، شما این استعاره را دارید، این ایده که وضعیت جدیدی وجود دارد، داماد حاضر است، وضعیت جدیدی در حال وقوع است.

و من فکر می‌کنم این همان چیزی است که آغازگر اتفاقات فصل ۲۱ و فصل‌های بعدی است. هیچ‌کس تکه‌ای از پارچه‌ی پیرایش نشده را به لباسی کهنه وصله نمی‌کند. اگر این کار را بکند، تکه‌ی نو از لباس کهنه جدا می‌شود و پارگی را بدتر می‌کند.

و هیچ‌کس شراب نو را در مشک‌های کهنه نمی‌ریزد. اگر این کار را بکند، شراب، مشک‌ها را می‌ترکاند و هم شراب و هم مشک‌ها خراب می‌شوند. بنابراین، فکر می‌کنم این را داریم: او دو تصویر از چگونگی مخلوط شدن شراب کهنه و نو ارائه می‌دهد.

چیزی عمیقاً متفاوت رخ داده است، همانطور که رستاخیز او رفتار شاگردان را عمیقاً متفاوت کرده است. این بحث در مورد پارچه و شراب، قدرت چیز جدید را نشان می‌دهد که شراب جدید آنقدر قدرتمند است که شراب قدیمی نمی‌تواند آن را در خود نگه دارد.

یا اینکه پارچه‌ی اصلاح نشده، یعنی تکه‌ی جدید، از پارچه‌ی قدیمی جدا می‌شود. این پارچه قدرت و تصویری خاص دارد. و البته، این تصاویر، تصاویری بودند که آنها به راحتی درک می‌کردند.

آنها به راحتی فهمیدند که البته هرگز نمی‌توان این کار را بین پارچه کهنه و نو انجام داد. و هرگز نمی‌توان شراب نو را در مشک کهنه درست کرد. ایده اینجاست که، در حالی که فریسیان ممکن است فرض کرده باشند، رهبران مذهبی ممکن است فرض کرده باشند که برای عصر مسیحایی آماده شدن، برای آمدن مسیح آماده شدن، با پابندی دقیق به سنت‌هایشان سازگار خواهد بود.

عیسی می‌گوید آمدن خدا بسیار متفاوت و بسیار قدرتمندتر و بسیار قوی‌تر است و در حضور من می‌آید. و بنابراین، این بازنگری قدرتمندانه در مورد مسائل وجود دارد. او کسانی را که این سوال را می‌پرسند به چالش می‌کشد تا سعی کنند به آنچه در حضور عیسی اتفاق می‌افتد، به همان شکلی فکر کنند که به هر چیز دیگری فکر می‌کردند، مانند تلاش برای ریختن شراب تازه در مشک‌های کهنه.

تلاش برای اندیشیدن به ورود عیسی به همان شیوه‌ای که سنت‌های شفاهی یا درک آنچه تصور می‌شد با آمدن مسیح رخ می‌دهد، تصور می‌شود، مانند تلاش برای پوشاندن لباسی نو با لباسی کهنه است. و بنابراین تصور اینکه شاگردان باید در حضور عیسی روزه بگیرند، نیز به همان شکل خواهد بود. و بنابراین، ما این بحث و جدل، این جمله کوچک، جزئی و قدرتمند را در عمل می‌بینیم.

می‌خواهم به بحث بعدی که در اینجا با آیات ۲۳ تا ۲۸ مطرح می‌شود، بپردازم. و باز هم، توجه داشته باشید که این انباشت مداوم از بحث‌ها وجود دارد. و توجه کنید که چند بار بر غذا تمرکز دارد.

بسیاری از مسائلی که در انجیل مرقس مطرح می‌شوند، مربوط به غذا خوردن یا به نحوی مربوط به آن هستند. فکر نمی‌کنم این تصادفی باشد. اولاً، بخش زیادی از سنت شفاهی پیرامون غذا و مربوط به آداب غذا خوردن بوده است.

اما برای من جالب است که چطور این‌ها همچنان مضامین بسیار مشابهی دارند. بنابراین، بیایید این موضوع را در پایان فصل ۲ با آیه ۲۳ بررسی کنیم. یک روز سبت، عیسی از میان مزارع گندم عبور می‌کرد و همانطور که شاگردانش در امتداد آنها قدم می‌زدند، شروع به چیدن خوشه‌های گندم کردند.

فریسیان به او گفتند: «ببینید، چرا آنها کاری را انجام می‌دهند که در روز سبت غیرقانونی است؟» او پاسخ داد: «مگر هرگز نخوانده‌اید که داوود وقتی او و یارانش گرسنه و نیازمند بودند چه کرد؟» در روزگار ابیاتار کاهن اعظم، او وارد خانه خدا شد و نان تقدیس شده را خورد، نانی که خوردنش حلال است و فقط کاهنان می‌توانند بخورند. و مقداری نیز به یارانش داد. سپس به آنها گفت: «سبت برای انسان آفریده شده است، نه انسان برای سبت.»

بنابراین، پسر انسان حتی مالک روز سبت نیز هست. بنابراین اکنون ما غذا خوردن و سبت را داریم که به نوعی با هم کار می‌کنند. و من فکر می‌کنم باید توجه داشته باشیم که بحث واقعاً بر سر درخشش و خوردن یک دانه کوچک نیست.

این مجاز بود. این برای غریبه‌ها و فقیران طبق تثنیه ۲۳ مجاز بود. پس مسئله واقعاً خوردن نیست.

مسئله بیشتر این است که ممکن است آنها به درو کردن متهم شوند. این درو کردن در روز سبت است. نوعی کار وجود دارد که در خروج ۳۴ ممنوع شده است.

و در میشنا، این کار به صراحت ممنوع شده است. بنابراین، ما این الگویی را داریم که به آن نگاه می‌کنیم. آیه ببخشید، به همراه آیه ۲۷ که این اصل را دارد، که منجر به نتیجه‌گیری در آیه ۲۸ می‌شود، ۲۴.

بنابراین، ما این شرایط را داریم که به یک اصل منجر می‌شود و آن اصل نیز به نتیجه‌ای از آن اصل منجر می‌شود. بنابراین، بیایید به روند چگونگی وقوع این امر نگاهی بیندازیم. اول از همه، به آن الگو توجه کنید.

فریسیان گفتند، ببینید، چرا آنها کاری را انجام می‌دهند که در روز سبت غیرقانونی است؟ آن تعامل پرسیدن از استاد که چرا پیروان اشتباه می‌کنند، پرسیدن از پیروان که چرا استاد اشتباه می‌کند. این یک تاکتیک رایج است و روشی غیرمعمول برای شروع یک درگیری نیست. بنابراین، در قلب اینجا عیسی نیست؛ شما باید شاگردان خود را اصلاح کنید.

این چیزی نیست که اینجا اتفاق می افتد. منظور عیسی است. چرا شما چنین تعلیمی یا چنین طرز فکری را ارائه می دهید که شاگردانتان به راحتی می توانند سبت را نادیده بگیرند، به خصوص در حضور شما؟ بنابراین ما این حمله را به شاگردان داریم، اگر بخواهید، رفتار سبت

اما به پاسخ عیسی توجه کنید: او با استناد به کتاب مقدس از شاگردانش دفاع می کند. بنابراین عیسی قرار است با این رهبران مناظره‌ای بر اساس کتاب مقدس داشته باشد. این در آن دسته از مباحثی قرار می گیرد که ما از کاتبان و تفاسیر کاتبان انتظار داریم، جایی که آنها از بخش‌هایی از کتاب مقدس برای کمک به اطلاع‌رسانی در موقعیت‌های خاص استفاده می کنند، زیرا فرض بر این بود که به طور یکسان در کتاب مقدس وجود دارد، که کتاب مقدس همان چیز را گفته است، و بنابراین می توانید برای تأیید یا تفسیر موارد مورد اختلاف به بخش‌های دیگر کتاب مقدس مراجعه کنید.

او در ادامه اشاره می کند که داوود و افرادی در برهه‌ای از کتاب مقدس بودند که داوود و افرادی گرسنه بودند و نیازشان به آنها اجازه می داد تا عمل خاصی را انجام دهند، نیازشان به آنها اجازه می داد تا از سیستم تأمین اجتماعی، اگر بخواهید، استفاده کنند، که در لایوان آمده است، اینکه فقرا و گرسنگان اجازه داشتند در مزارع دیگران غلات بچینند. و بنابراین، اگرچه آنها در مورد سبت صحبت می کنند، مسیح با تأیید حق آنها، با رفتن به داوود و نشان دادن اولویت برای نادیده گرفتن یک عمل آیینی در صورت لزوم، پاسخ می دهد بنابراین این ارتباطی است که او سعی در ایجاد آن دارد، اینکه عمل آیینی که داوود انجام داد، نادیده گرفتن حق قانونی کاهن برای خوردن نان تقدیس شده بود، نه هیچ کس دیگر.

بنابراین، داوود به مردانش اجازه می دهد وارد خانه خدا شوند و نانی را که جدا شده بود، نان تقدیس شده نان مخصوص مراسم مذهبی، بخورند. البته، در اول سموئیل ۲۱، می دانیم که داوود و مردانش قطعاً نیازمند هستند؛ آنها از دست شائول فرار می کنند؛ این لحظه است، و این داستانی است که او به آن اشاره می کند. و اینکه داوود کیست، و استدلال عیسی چگونه کار می کند، این است که فرض می کند فریسیان اینجا که او با آنها صحبت می کند، فریسیان تأیید می کردند که کاری که داوود انجام داد درست بود.

منظورم این است که فرض اینجا این است که کاری که داوود انجام داد درست بود. و اگر داوود حق داشت که افرادی به خاطر نیاز نان بخورند، آنها از دست شائول فرار می کردند. اگر آنها حق داشتند که به خاطر نیاز غذا بخورند، به خاطر شکستن آیین، آن نیاز مهم‌تر از رعایت آیین بود؛ اگر داوود حق داشت، پس او می گوید، شاگردان من هم همینطور هستند.

الزام درو کردن در روز سبت، اگر بخواهید، مستلزم این نیست که آنها نیاز خود را در اینجا رها کنند، و اینکه نیاز آنها به خوردن توجیه شده است. این نوعی روش رایج برای نشان دادن یک نکته است، نوعی استدلال یهودی که فریسیان با آن آشنا بودند. حال، کمی مشکل وجود دارد، شاید به عنوان یک نکته فرعی که باید به آن پرداخته شود، این سوال است که آیا عیسی کتاب مقدس خود را می داند یا خیر. زیرا آیه ۲۶ می گوید، عیسی گفت، در روزگار ابیاتار، کاهن اعظم، منظور او داوود است، وارد خانه خدا شد و نان تقدیس شده را خورد.

خب، مشکل اینجا است: وقتی به کتاب مقدس عبری نگاه می کنیم، منظور ابیاتار، کاهن اعظم آن زمان نیست، بلکه اخیملک است. آیا اینجا اشتباهی وجود دارد؟ در واقع، وقتی به متی و لوقا، متی ۱۲ و لوقا ۶، و روایت‌های آنها از آن نگاه می کنید، روزهای ابیاتار کاهن اعظم را حذف می کنند و آن را حذف می کنند. البته، وقتی به این واقعیت در عهد عتیق اضافه کنید که ابیاتار و اخیملک نیز با هم اشتباه گرفته می شدند، یا حداقل گیج کننده است، موضوع حتی گیج کننده‌تر می شود.

اگر به اول سموئیل ۲۰:۲۲، دوم سموئیل ۸:۱۷، اول تواریخ ۱۶:۱۸، اول تواریخ ۶:۲۴ و حتی شجره‌نامه نگاه کنید، به نظر می‌رسد که کمی تعامل وجود دارد. از این موضوع چه برداشتی باید داشته باشیم؟ آیا عیسی وقتی گفت در روزگار ابیاتار، منظور را اشتباه گرفت؟ خب، فکر می‌کنم جنبه مهم اینجا این است که تشخیص دهیم که نمی‌خواهیم شیوه‌ی مدرن صحبت کردن را به بافت باستانی وارد کنیم. صحبت از یک دوره‌ی زمانی یا روزگاری و استفاده از برجسته‌ترین چهره به عنوان شخصیت توصیف‌کننده‌ی آن دوره‌ی زمانی غیرمعمول نبود.

بنابراین، ابیاتار کاهن اعظم مسلط‌تر در دوران داوود بود، نه اخیملک. بنابراین، اینکه آن را در دوران ابیاتار بنامیم، جمله‌ی نادرستی نبوده است. اینکه ما آن را از نظر... در نظر بگیریم، خب، این دقیق نیست، اما ما از دیدگاه متفاوتی به آن نگاه می‌کنیم.

عیسی در مورد اینکه آیا اخیملک کاهن اعظم آنجا بوده یا نه، بحث نمی‌کند، بلکه او در حال توصیف آن زمان است. و شما می‌توانید آن زمان را اغلب با شخصیت غالب توصیف کنید. شاید شبیه به دوران جنگ انقلاب ایالات متحده آمریکا در دوران جورج واشنگتن باشد.

لازم نیست حتماً به چیزی که در دوران ریاست جمهوری جان آدامز اتفاق افتاده اشاره کنید، اما می‌توانید به آن در دوران جورج واشنگتن به عنوان توصیف آن دوره اشاره کنید. چیزی شبیه به آن خواهد بود. در صورت علاقه‌مندی، این نان تقدیس شده‌ای است که اینجا مد نظر است، نانی که درست قبل از روز سبت پخته می‌شود؛ دوازده قرص نان برای کاهن پخته می‌شود.

حالا، من عاشق این هستم که او اینجا به سراغ داوود می‌رود، و رفتن به سراغ داوود در اینجا همچنین باعث می‌شود که طنین مسیحایی ایجاد شود. او از مثالی از داوود که درست عمل کرد و پیروان داوود به عنوان، توجیهی برای کاری که او انجام داد و کاری که به پیروانش اجازه داد انجام دهند، استفاده می‌کند. و این البته، به این جمله منجر می‌شود که او به آنها گفت، سبت برای انسان ساخته شده است، نه انسان برای سبت.

اتفاقاً، ما چیزی بسیار مشابه از یک خاخام قرن دوم، خاخام قرن دوم میلادی، داریم که در تفسیر کتاب خروج نوشته است: سبت به شما داده شده است، به شما سبت داده نشده است. این احتمال وجود دارد، که ما از قرن دوم داشته باشیم، یک خاخام از جمله‌ای که عیسی گفته بود و طرفدارانی پیدا کرده بود برداشت کرده باشد، یا شاید سنتی وجود داشته باشد که این نوع ایده جمله را داشته باشد.

حتی مهم‌تر از آن، به یاد داشته باشید که در کفرناحوم، وقتی عیسی تدریس می‌کرد، نظراتی مطرح شد مبنی بر اینکه او برخلاف کاتبان، تعلیمی با اقتدار دارد. من فکر می‌کنم این نمونه‌ی بسیار خوبی از آن است. ما هنگام بررسی فصل اول این سؤال را پرسیدیم: داشتن یک مرجع تعلیمی که برخلاف کاتبان است، به چه معناست؟ خب، این اولین بخش از این تعامل است و واضح است که یک بحث است.

منظورم این است که وقتی عیسی در آیه ۲۵ با این جمله شروع کرد که «آیا هرگز نخوانده‌ای؟» منظورم این است که گفتن اینکه آیا هرگز برای فریسیان نخوانده‌ای توهین است، نشان می‌دهد که ما قرار است بحثی داشته باشیم که هدف من اثبات جهل شما است. منظورم این است که این روش خوبی برای شروع یک بحث مودبانه نبود. بنابراین، این واضحاً یک بحث کاتبانه است و عیسی از روش استدلال هاگادا پیروی می‌کند.

او از یک روش بسیار استاندارد برای استدلال پیروی می‌کند. من قصد دارم مثالی متفاوت از کتاب مقدس پیدا کنم که این اصل را اثبات کند، یعنی اینکه نیاز، غلبه بر احکام قانونی را توجیه می‌کند، و اجازه می‌دهم

در اینجا اعمال شود. بنابراین، هر کاری که او تا آن لحظه انجام می‌دهد، کاملاً مطابق با مرجعی مانند کاتبان است.

اما به نظر من جمله بعدی است که برخلاف کاتبان، شروع به اعتبارسنجی می‌کند، جایی که او هدف سبت را اعلام می‌کند. اینکه سبت برای انسان آفریده شده است، نه انسان برای سبت. اینکه او موضعی اتخاذ می‌کند که اعلام کند، من هدف سبت را می‌دانم.

این فراتر رفته است، بحث اینجا فراتر رفته است از اینکه آیا آنها در این خوشه‌چینی غلات درست عمل کردند. آیا آنها درست عمل کردند؟ فراتر از آن رفته است. اگر تنها هدف او این بود که رفتارش را توجیه کند، با گفتن اینکه این مطابق با کتاب مقدس است، به آن هدف می‌رسید.

اما او یک قدم فراتر می‌رود و در ابتدا شروع به اعلام هدف از وجود سبت می‌کند. این یک دیدگاه الهی است که به ما اجازه می‌دهد هدف سبت را اعلام کنیم. دیگر با سبت مطابقت ندارد، بلکه دلیل وجود سبت است.

جایگاهی که مسیح در روز سبت به خود می‌گیرد، خدمت کردن است، هدیه‌ای برای خدمت به بشریت سبت برقرار شد تا بشریت بتواند استراحت کند. تا بتوانند لذت ببرند و زمانی را برای عبادت، بازیابی و جبران اختصاص دهند.

این هدیه‌ای از جانب خدا به بشریت بود، و در واقع، زمان عصر آینده اغلب به عنوان لذت بردن از سبت به عنوان زمانی برای استراحت ابدی و لذت بردن از کار سخت به تصویر کشیده می‌شود. بنابراین، سبت قرار بود خدمت باشد، و بنابراین، اگر قرار بود سبت خدمت باشد، اگر مردی نیازمند بود، اگر زنی در روز سبت نیازمند بود، خب، طرح در قلب سبت این بود که خدا می‌خواهد نیازهای آنها برآورده شود. خدا می‌خواهد از آنها مراقبت شود.

سبت وسیله‌ای برای مراقبت بود. این یک زمان مصنوعی بود که خدا قرار داد. هیچ چیز طبیعی در مورد زمان‌بندی هفته وجود ندارد.

اگر به طلوع و غروب خورشید یا حتی سال با چرخش سیاره به دور خورشید فکر کنید، چیزی طبیعی در مورد زمان روز وجود دارد. اما هفته دلخواه، زمانی است که خدا آن را قرار داده و بخشی از آن، سبت، را جدا کرده است. و کاری که این رهبران مذهبی انجام داده‌اند، اگر سبت را از یک هدیه به یک بار تبدیل کرده‌اند، به جای برآورده شدن نیازهای مردم، که سبت برای آن طراحی شده بود، آنچه اتفاق افتاده این است که در واقع مردم رنج می‌برند یا اگر به نحوی سبت را نقض کنند، به طور بالقوه اجازه رنج کشیدن به آنها داده شده است.

بنابراین، این یک تلنگر بوده است. مقررات سنت شفاهی که سبت را احاطه کرده است، سبت را به چیزی تبدیل کرده است که نبوده است. و توجیه او برای اینکه می‌تواند این را بگوید، همانطور که در ادامه می‌گوید، این است که پسر انسان حتی پروردگار جهان است.

بنابراین سبت. اکنون می‌دانیم که پسر انسان چیست، که عنوان جالبی است. پسر انسان عنوانی مسیح‌شناختی است که عیسی اغلب برای خود به کار می‌برد، اما به ندرت توسط دیگران به عیسی اطلاق می‌شود.

معمولاً، عیسی به عنوان خداوند یا مسیح، پسر خدا اعلام می‌شود. اما پسر انسان، او این عنوان را به خود اختصاص می‌دهد. و پسر انسان می‌تواند معانی مختلفی داشته باشد.

یکی اینکه می‌تواند به سادگی روش دیگری برای صحبت کردن در مورد انسان، انسان، کسی که مانند پسر انسان است و شما او را در نظر می‌گیرید، باشد. این ایده فقط در مورد فانی بودن وجود دارد. دیگری می‌تواند یک اطناب احتمالی برای «من» باشد. بنابراین، این اصلاً مسیح‌شناختی نیست، اصلاً عنوان نیست. این فقط یک روش دیگر برای گفتن «من» است. بنابراین به جای اینکه بگویم من در مورد انجیل مرقس صحبت می‌کنم، می‌گویم «پسر انسان در مورد انجیل مرقس صحبت می‌کند»، روش دیگری برای گفتن این است.

اما عنوان سوم، عنوانی مسیح‌شناختی است که به نظر می‌رسد ریشه در کتاب دانیال ۷ دارد. در کتاب دانیال رؤیاهای آخرالزمانی در حال وقوع است، جانوران مختلفی که علیه برگزیدگان و برگزیدگان جنگ و نبرد، ۷ می‌کنند. در این جانوران، دانیال رؤیایی از یک شخصیت نهایی دارد که به عنوان کسی شبیه پسر انسان توصیف شده است. و این شخص، مانند پسر انسان، در کنار خدا می‌نشیند و همانطور که دانیال ۷ را می‌خوانید، نماینده مردم نیز هست و پیروز می‌شود.

و این یکی مثل پسر انسان است، و انواع تصاویر جالب خلقت وجود دارد زیرا پادشاهی‌هایی که در حال جنگ هستند و نمادگرایی مرتبط با آن پادشاهی‌ها که الان وقت نداریم به آنها بپردازیم، اما همه آنها جانور هستند، اما کسی که آنها را مطیع می‌کند شبیه انسان است. شما تصویر پیدایش، تصویر باغ عدن و جانوران را دارید، اما مردی است که بر جانوران غالب است. بنابراین، انواع تصاویر موجود است.

خب، این یکی، مثل پسر انسان که سپس در جایگاه قضاوت می‌نشیند، در کنار خدای متعال می‌نشیند و نماینده مردم است، بعد از دانیال تکامل می‌یابد، به این ایده از شخصیت تبدیل می‌شود تا جایی که، و شما این را در برخی دیگر از متون معبد دوم که مربوط به زمان عیسی است می‌بینید، جایی که این میل به این پسر انسان وجود دارد، این شخصیتی که دانیال در یک رؤیا به تصویر کشیده است، اکنون به یک شخصیت مورد انتظار متمایز تبدیل می‌شود که خواهد آمد. و بنابراین، این یک شخصیت بسیار والا است. منظورم این است که طعنه این است که ما گاهی اوقات وقتی صحبت از تصویر مسیح می‌شود، پسر انسان را به عنوان یک شخصیت پست در نظر می‌گیریم، اما در واقع یک عنوان مسیح‌شناسی بسیار والا است.

اگر از دانیال ۷ آمده باشد، یک عنوان مسیح‌شناختی والا است. و ما اغلب می‌بینیم که عیسی از پسر انسان در اشاره به اقتدار و قدرت استفاده می‌کند. وقتی او در مورد اینکه پسر انسان چگونه باید رنج بکشد صحبت می‌کند، مردم با این موضوع مشکل بزرگی دارند؛ پیروان عیسی با این موضوع مشکل بزرگی دارند زیرا چگونه این شخصیت، یعنی پسر انسان، می‌تواند رنج بکشد؟ به نظر می‌رسد این دو با هم در تضاد هستند.

وقتی رهبران مذهبی، وقتی کاهنان اعظم از عیسی می‌پرسند که آیا او مسیح است، عیسی آن را تأیید می‌کند، و سپس می‌گوید، پسر انسان را خواهید دید که در ابرها می‌آید. و این زمانی است که آنها لباس‌های خود را به دلیل کفرگویی پاره می‌کنند، زیرا او نه تنها از تأیید مسیح بودن خود، بلکه حتی یک قدم فراتر رفته و اعلام کرده است که پسر انسان است که خواهد آمد و داوری خواهد کرد. بنابراین، این شخصیت پسر انسان، عنوانی است که به نظر می‌رسد عیسی می‌خواهد برای خود انتخاب کند.

«و فکر می‌کنم منظور همین است. فکر نمی‌کنم در آیه ۲۸، برخی استدلال کنند که منظور از «پسر انسان در اینجا، عبارت دیگری برای «انسان» است. منظورم این ایده است که سبب برای انسان آفریده شده است، نه انسان برای سبب.

بنابراین، انسان حتی مالک روز سبت نیز هست. این حرف در اینجا چندان منطقی به نظر نمی‌رسد، زیرا عیسی با قاطعیت سخن می‌گوید. من فکر می‌کنم او می‌گوید که پسر انسان حتی مالک روز سبت نیز هست.

این با آنچه که قبلاً در فصل ۲ دیدیم تفاوتی ندارد، اما برای اینکه بدانید پسر انسان اختیار بخشش گناهان را دارد، وقتی که این شفای فلج بود. واضح است که عیسی آنجاست. عیسی اعلام نمی‌کرد که بدانید همه مردم اختیار بخشش گناهان را دارند.

او به وضوح درباره خودش صحبت می‌کند و حتی در ادامه می‌گوید، که گفتنش آسان‌تر است، گناهان را ببخش یا تشک خود را بردار و راه برو. بنابراین، فکر می‌کنم با در نظر گرفتن این موضوع، به آیه ۲۸ نگاه می‌کنیم و عیسی دلیل اینکه چرا می‌تواند هدف سبت را بگوید را بیان می‌کند. دلیل اینکه او می‌تواند هدف سبت را بگوید این است که او پسر انسان است.

او خداوندگار سبت است، به این معنی که او سبت را داده و دلیل آن را می‌داند. این جمله بسیار قوی‌تر می‌شود. این همان چیزی است که ما در فصل ۲ به آن پرداخته‌ایم. این ایده‌ها از روابط معتبر مختلفی که در نظر گرفته شده‌اند.

با این حال، به نحوه وقوع آن توجه کنید. ما از کفرناحوم به این ایده رسیدیم که عیسی می‌تواند آنچه را که انجام می‌دهد به مردم با اقتداری که قبلاً ندیده‌اند، آموزش دهد، معجزات را با اقتدار بیرون کند شیاطین را با اقتدار به کار گیرد. ما از آن و حتی از طریق داستان جذامی حرکت می‌کنیم، اما وقتی به مرد فلج می‌رسیم و به بحث برداشت گندم در روز سبت می‌رسیم، اقتدار عیسی بیشتر و بیشتر آشکار می‌شود.

او اکنون شروع به روشن کردن این نکته کرده است که اقتدار او صرفاً اقتدار قوی‌تر، آنطور که یحیی تعمید دهنده او را اینگونه خطاب می‌کرد، نیست، بلکه به دلیل هویت الهی‌اش، اقتدار قوی‌تری دارد. او فقط مسیح موعود مورد انتظار ظهور نیست، بلکه چیز بیشتری هم هست. او با قدرت بخشش گناهان آمده است، به این معنی که سقوط را از بین ببرد.

چیزی که حق آنها بود، یعنی تشکیلات مذهبی، پاک یا ناپاک اعلام کردن چیزی بود. عیسی به فرد جذامی می‌گوید که او پاک است. آنها اختیار داشتند که مطابق آنچه کتاب مقدس گفته است، قربانی‌ها را انجام دهند.

عیسی می‌گوید، من می‌توانم اعلام کنم که گناهان بخشیده شده‌اند. این اختیار آنها بود که بگویند چه چیزی در روز سبت درست یا غلط است و عیسی می‌گوید، من می‌دانم چرا سبت وجود دارد، زیرا من خداوند سبت هستم. او اظهاراتی صادر می‌کند که ناگزیر منجر به درگیری‌های بیشتر و بیشتر خواهد شد، زیرا او اقتدار خود را در سطح خدا، نه در سطح بشریت، تثبیت می‌کند.

ما شاهد ادامه‌ی این روند خواهیم بود. شاهد ادامه‌ی جنجال‌های مربوط به روز سبت خواهیم بود. شاهد جنجال‌های مربوط به غذا خواهیم بود و در فصل سوم به درگیری با رهبران مذهبی در مورد تعداد زیاد جن‌گیری‌ها خواهیم رسید، تا جایی که اکنون خطوط تمایز به وضوح مشخص شده‌اند.

مشتاقانه منتظرم دفعه‌ی بعد که همدیگر را ملاقات می‌کنیم، فصل سوم را با شما مرور کنم. متشکرم.

من دکتر مارک جنینگز هستم و در حال تدریس در مورد انجیل مرقس. این جلسه‌ی پنجم در مورد مرقس ۲ است. خدمت عمومی ادامه دارد ۲۸-۱۸.